

## نگرش قوه قضاییه به جرائم خرد

مطلبی را که می‌خواهم درباره آن سخن بگویم شاید در بادی امر و به ظاهر ساده و کم‌اهمیت باشد اما در باطن بسیار حائز اهمیت بوده و سرنوشت‌ساز می‌باشد. سخن من درباره جرایم خرد و نگرش دادگستری نسبت به این‌گونه جرایم است. شاید اصطلاح جرایم خرد در حقوق موضوعه کشور ما هنوز ناشناخته باشد؛ زیرا در فرهنگ قضایی ما چنین اصطلاحی به کار نرفته است.

من عنوان جرایم خرد را در برابر جرایم کلان به کار می‌برم. شاید از جهتی بتوان آن را مترادف با جنحه‌های کوچک و امور خلافی دانست. خوانندگان محترم به خوبی آگاهند که در دنیای امروز جرایم را به اعتبار شدت و ضعف کیفرها به سه دسته مهم تقسیم می‌کنند: ۱- جنایت، ۲- جنحه و ۳- خلاف.

در کشور ما نیز، همانند سایر کشورهای جهان، قوانین مجازات عمومی و آیین دادرسی کیفری از همین روش علمی پیروی کرده‌اند. مضافاً به اینکه جرایم جنحه‌ای نیز به نوبه خود به دو دسته مهم تقسیم می‌شود: یک - جنحه کوچک و دو جنحه بزرگ. ضمن اصلاحات سال ۱۳۵۲ عنوان جنحه کوچک از قوانین ما حذف شد و در نتیجه تنها جرایم خلافی به عنوان جرایم خرد مصداق واقعی خود را پیدا کرد.

مجازات امور خلافی ابتدا از ۲۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال تعیین شد. در سال ۱۳۵۲ حداقل جزای نقدی امور خلافی ۵۰۰۱ ریال معین گردید.

**تعریف** - قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، جرایم خرد را تعریف نکرده است و اصلاً چنین عنوانی در قوانین دیده نمی‌شود. در این گفتار منظور از جرایم خرد بزه‌هایی است که دارای ویژگیهای زیر می‌باشد:

- ۱- مجازات آنها شدید و خشن نیست.
- ۲- این جرایم کثیرالوقوع گشته و با زندگی روزمره افراد ارتباط مستقیم دارند.
- ۳- بیشتر این جرایم جنبه مادی دارند. عنصر معنوی در آنها لحاظ نمی‌شود. صرف وقوع مادی فعل و یا ترك فعل ایجاب مجازات می‌کند.
- ۴- مقررات تکرار جرم در آنها رعایت نمی‌شود.
- ۵- درخواست استرداد برای این‌گونه جرایم پذیرفته نیست.
- ۶- قاعده جمع مجازاتها در این رهگذر به موقع اجرا گذاشته می‌شود.
- ۷- معاونت در این جرایم مجازات ندارد.
- ۸- مدت مرور زمان این جرایم کمتر از سایر انواع جرمها می‌باشد.
- ۹- آثار تبعی ندارند.

**تقسیم‌بندی** - اینک که حد و مرز جرایم خرد مشخص شد بهتر است قوانین ماهوی و قوانین شکلی ناظر به این دسته از جرایم جداگانه توضیح داده شود.

**الف - مقررات ماهوی** - جرایم خرد نیز همانند سایر جرایم باید مبنای قانونی داشته‌باشد و اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها در این رهگذر نیز حاکمیت یابد و احدی را به خاطر ارتکاب جرم خرد نمی‌توان مجازات کرد مگر اینکه اعمال ممنوعه از پیش تعیین و مجازات مربوطه مشخص شده‌باشد.

در اجرای عدالت کیفری تفاوتی بین جرم بزرگ و کوچک وجود ندارد.

**مبنای قانونی جرایم خرد** - در جمهوری اسلامی ایران عنصر قانونی جرایم خرد را باید در ماده ۲۷۶ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ جستجو کرد. به موجب

این ماده: «نسبت به کلیه امور خلافی از قبیل عدم رعایت نظامات راجعه به بلدیّه و نظمیه و صحیه، هم‌چنین عدم رعایت نظامات راجعه به درشکه‌چیها و شوفرها و حفظ حیوانات و هم‌چنین راجع به ولگردی و گدایی و فحاشی و استعمال الفاظ رکیکه در معابر عمومی و امثال آنها وزارت داخله نظامنامه لازم تهیه نموده و مقررات آن پس از تصویب وزارت عدلیه به موقع اجرا گذاشته خواهد شد ولی در هر حال مجازاتی که به موجب نظامنامه مزبوره مقرر می‌شود نباید از یک روز حبس و ۳ قرآن غرامت کمتر و از یک هفته حبس و ۵ تومان غرامت بیشتر باشد.»

چنانکه ملاحظه می‌شود در جرایم خرد قانون‌گذار در شناسائی اعمال ممنوعه شخصاً مداخله نمی‌کند و آن را در اختیار قوه مجریه قرار می‌دهد. این روش تا چه حد با حاکمیت ملت در تعیین سرنوشت سازگار می‌باشد و اینکه آیا قوه قانونگذاری حق دارد جرم شناختن برخی از اعمال شهروندان را به قوه مجریه بسپارد خود بحث جداگانه‌ای است. اما از مفاد ماده مرقوم این واقعیت به خوبی آشکار می‌شود که نمایندگان ملت نیز بر مبارزه مؤثر این بزهکاریها علاقه خاصی نشان نداده‌اند.

**انواع جرایم خرد** - براساس اجازه ماده ۲۷۶ یاد شده، آیین‌نامه امور خلافی در تاریخ ۲۲/۵/۱۳۲۴ به تصویب رسید. در این آیین‌نامه با الحاقات بعدی آن حدود ۱۰۸ گونه از رفتارهای شهروندان دارای خصیصه جزایی شناخته شدند. علاوه بر آن در آیین‌نامه امور خلافی روستائی نیز ۲۱ مورد جرم خرد عنوان گردیده‌است.

جرایم خرد که در آیین‌نامه امور خلافی عنوان شده‌است رفتارهای بسیار مهم و با آثار ضداجتماعی قابل توجه می‌باشد. عدم توجه به اخطارهای مأمورین عبور و مرور و پاسبانه‌ها به اینکه در پیاده‌رو عبور نمایند ایجاد سدّ معبر در پیاده‌روها و معابر نگهداری حیوانات در معابر عمومی به نحوی که مزاحم عبور و مرور شوند یا قسمتی از معبر را اشغال کنند، گذاشتن اشیاء در ایوان و یا جلو منازل که مشرف به معابر است ایجاد همهمه و غوغا و صداهای ناهنجار در معابر و شوارع عمومی، ناسزاگویی به مردگان در ملاء عام، ظاهر شدن با زیرشلواری یا لنگ یا لباس منزل در معابر عمومی و... از جمله عناوینی است که در آیین‌نامه یادشده آمده‌است.

این رفتارها گرچه به ظاهر بدون اهمیت جلوه می‌کند و قوه قضاییه نیز در مبارزه با این نوع رفتارهای ضداجتماعی مبارزه سرسختانه‌ای نشان نمی‌دهد اما باید دانست که همین جرایم خرد تعدادش بسیار زیاد است و در نتیجه شهروندان هر روز ناظر و شاهد وقوع این اعمال ضداجتماعی می‌شوند. اعمالی که قلب انسانها را جریحه‌دار می‌کند.

عدالت جزایی این نیست که تنها با جرایم کلان مبارزه شود و آنها ریشه‌کن گردد. قتل، سرقت، کلاهبرداری، اختلاس و هتک ناموس با عنف و غیره جرایم مهم هستند که باید با آنها مبارزه شود اما کثیرالوقوع نیستند. شهروندان با این نوع جرایم کمتر روبرو می‌شوند. آنچه نرخ جرایم را بالا می‌برد و خطر جدی و تهدیدکننده برای جامعه می‌باشد اموری از قبیل: ایجاد سدّ معبر، صداهای آزاردهنده، آلوده کردن محیط زیست، شکستن درختان معابر، بوق زدنهای بی‌مورد، عبور از محلهای غیرمجاز می‌باشد که نشانگر عدم توجه شهروندان و دولتمردان به اجرای مقررات قانونی است. تعلّل دولت در مبارزه با جرایم خرد موجب بی‌اعتباری دولت در سایر زمینه‌ها نیز می‌شود. مردم کوچک و بازار همین‌که مشاهده می‌کنند دولت توان اعمال مقررات ساده را ندارد نمی‌توانند باور کنند که توان مبارزه با جرایم مهمّ و مجرمین حرفه‌ای و باندهای خطرناک بین‌المللی را داشته‌باشد. شفافتر بگویم ارتکاب جرایم خرد موجب وهن دولت است.

جرایم خرد همچون ذرات ریز به تدریج سلامت روحی و امنیت ملی را تهدید می‌کند. يك صدای ناهنجار به ظاهر شاید مهمّ نباشد اما چه بسا که ممکن است سبب مرگ انسانی گردد و فتنه‌ای به پا کند. يك سخن يك شهر را ویران می‌کند.

مبارزه با قاچاق موادّ مخدر، با سرقت، با جرایم مطبوعاتی و اهانت به افراد جای خود را دارد ولی اشتغال به این امور نباید وظیفه دولتها را در از بین بردن جرایم خرد و تخلفات ساده اجتماعی به فراموشی بکشاند.

جرایم خرد از لحاظ روان‌شناسی و زیست‌شناسی و جامعه‌شناسی کیفری نیز جایگاه خاصی دارد. بی‌اعتنایی به این نوع رفتارهای غیراجتماعی جوامع را در معرض خطر بی‌فرهنگی و بی‌قانونی قرار می‌دهد و مقدمه می‌شود برای ظهور جرایم مهمّ.

قانون باید اجرا شود. قانون خوب و بد ندارد کما اینکه جرم نیز کلان و خرد نباید داشته باشد.

**ب - مقررات شکلی -** قانون آیین دادرسی کیفری برای هر یک از انواع جرایم طریق رسیدگی خاصی تعیین کرده است، در جرایم خیلی مهم و یا جنایی همین که پلیس از وقوع جرم مطلع شد مکلف است مراتب را به مقامات قضایی اطلاع دهد و تا حضور مقام قضایی و یا وصول دستور از طرف مقامات قضایی آثار و علایم جرم را حفظ کند. در جرایم متوسط پلیس به طور کلی وظیفه تحقیقات مقدماتی را تحت نظارت دادستان به عهده دارد. برای این منظور شکایات و اعلام جرمها را اول به نظر مقام قضایی می‌رسانند سپس اهتمام لازم را انجام می‌دهند.

بدیهی است در جرایم مشهود ضابطین قوه قضاییه اختیارات خاص خود را دارند. در امور خلافی یا جرایم خرد ضابطین قوه قضاییه تحقیقات را انجام می‌دهند و نتیجه را ضمن اعلام گزارش به مقام قضایی اطلاع می‌دهند. با این توضیح معلوم می‌شود در امور خلافی پلیس بدون دستور و یا مداخله مقامات قضایی می‌تواند اقدامات لازم را برای تنظیم صورتجلسه لازم، جمع‌آوری اسباب و دلایل جرم و تحقیقات مقدماتی انجام دهد.

**وضع قضایی جرایم خرد -** در جمهوری اسلامی ایران مبنای مجازات جرایم

خرد ماده ۲۷۶ قانون مجازات عمومی بود. این ماده اجازه می‌داد:

۱- در این رهگذر آیین‌نامه‌ای وضع شود.

۲- در این آیین‌نامه جرایم خرد احصاء گردد.

۳- مجازات آنها از حداکثر معین جزای نقدی بیشتر نباشد.

بر این مبنا وزارت کشور و دادگستری آیین‌نامه مربوطه را تنظیم کرده بودند. آیین‌نامه فوق تا این اواخر لازم‌الاجرا بود. لیکن با نسخ صریح قانون مجازات عمومی که بموجب ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷ صورت گرفت دیگر مجالی برای مجازات کردن جرایم خرد باقی نماند.

لازم به یادآوری است که بعضی از جرائم خرد که در آیین‌نامه امور خلافی پیش‌بینی شده‌بود در قانون مجازات اسلامی به‌صورت جرم مستقل کلان معرفی گردید و در حال حاضر به این اعتبار قابل مجازات می‌باشد ولی تکلیف بقیه جرایم خرد روشن و شفاف نیست.

**نتیجه** - از مجموع آنچه که شرح داده‌شد می‌توان نتیجه گرفت که در کشور ما از ابتدا نسبت به جرایم خرد توجه خاصی نشده‌است. محول کردن تشکیل پرونده‌های مربوط به این دسته از جرایم، توسط مأموران غیرآموزش دیده و دور از نظر مقامات قضایی و عدم شفافیت آنها همیشه سبب شده‌است تا رسیدگی به جرایم خرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نباشد و نتیجه‌ای به‌بار نیاورد.

بیشترین هدف قانونگذاران و قوه قضاییه مبارزه با جرایم کلان بوده و هست. جرایمی که طبق آمارهای موجود نسبت ارتکاب آنها در برابر جرایم خرد بسیار اندک می‌باشد.

عملکرد پلیس در ارتباط با جرایم خرد نیز قابل توجیه نیست. وقتی فرهنگ قانونگذاری و فرهنگ قوه قضاییه و حتی به‌جرات می‌توان گفت فرهنگ عمومی در برابر این نوع جرایم به بی‌اعتنایی خاصی منجر می‌شود و هر روز ناظر و شاهد دهها و صدها جرم خرد می‌باشیم و با بی‌اعتنایی و بدون احساس مسئولیت و با اغماض از کنار آن می‌گذریم از پلیسی که وظیفه تعقیب و تحقیق و ارائه گزارش در این زمینه را دارد چه انتظاری می‌توانیم داشته‌باشیم؟

کثرت وقوع این نوع جرایم سبب شده‌است تا بسیاری از شهروندان و حتی نیروی انتظامی و شاید بعضی از قضات در جرم بودن برخی از مصادیق آنها تردید کنند. باید فرهنگ مبارزه با جرایم خرد هرچه زودتر رونق یابد. قانون خاصی در ارتباط با این نوع جرایم، عناصر تشکیل‌دهنده آن و مجازات‌ها و یا اقدامات تربیتی و یا بازدارنده مربوط تصویب شود تا رفاه عمومی هرچه زودتر فراهم شود.

به امید آن روز